

اصولا در طول تاریخ انقلابها، جنگها و قراردادهای سیاسی، اقتصادی نظری بزرگترین و بیشترین اثر دریافت فرهنگی - فکری یک جامعه بوده و هیچ جامعه‌ای از تغییر و تحولات ناشی از این امور برکنار نبوده است. از بین این عوامل جنگ چه پیروزی و چه شکست ملتی را در برداشته باشد، توانسته است مهمترین تأثیرات را بر روند حرکت آن جامعه داشته و نقطه عطفی را در سیر تغییر و تحولات اجتماعی آن تشکیل دهد.

کشور شکست خورده زاپن که در جنگ جهانی دوم بدون قید و شرط تسلیم شد و دو شهر از شهرهای عمده آن بر اثر بمباران هواپیماهای آمریکایی بطور کلی نابود شد در حال حاضر، یکی از قطب‌های صنعتی جهان و یکی از صادرکنندگان لوازم صنعتی، حتی به آمریکا است. چه عواملی باعث شد که کشوری شکست خورده همچون زاپن در عرض ۳۰ سال بتواند به این مرحله از رشد و شکوفایی صنعتی برسد؟ شاید بتوان «سرنوشت جنگ» برای مردم زاپن را مهمترین عامل قلمداد نمود. مردم زاپن پس از شکست در جنگ از صفر شروع کرده و با سعی و کوشش فراوان توانستند به این مرحله از رشد برسند. نمونه‌هایی از این دست چه در بین کشورهای فاتح و چه در کشورهای مغلوب و نه تنها در دوره معاصر بلکه در ادوار گذشته، فراوان و بیشمار است و پرشدن و ذکر تجربیات آنها از حوصله این مقال خارج است و فقط مختصرا بایستی اشاره نمود که ملتها و جوامعی توانسته‌اند روند رشد و خودکفایی اقتصادی را در مدت کوتاهی طی نمایند، که یک «تغییر و تحول شدید اجتماعی» براهیست سرگذشته باشند.

در کشور ما نیز، گرچه سرنوشت جنگ جز پیروزی صد درصد و قاطع قوای ایران بر نیروهای متجاوز عراق چیز دیگری نخواهد بود، ولی خسارات هنگفتی که بعلت وقوع جنگ در داخل خاک ایران و زیر آتش بودن بسیاری از شهرها و در اشغال بودن شهرهای دیگری که در حال حاضر جز تلی از خاک از آنها باقی نماند است، قیاسی اینچنین را ممکن و مقدر می‌سازد.

واقعیت این است که چندین شهر عمده ایران چون، هویزه، قصر شیرین، مهران و سومار با خاک یکسان شده و شهرهای دیگری چون آبادان، خرمشهر، سوسنگرد، بستان، گیلانغرب و سرپل ذهاب بعلت تحت اشغال بودن و یا زیر آتش قرار داشتن متحمل خسارات هنگفتی شده‌اند. بعلاوه باید افزود خسارات مادی جبران ناپذیری بر مجتمع‌های صنعتی ایران چه در گوشه و کنار ایران و چه در خوزستان وارد آمده است. سرنوشت صدام و رژیم پویشالی اش بعنوان عامل شروع کننده جنگ هرچه باشد و اگر غرامتی بابت جبران این خسارات دریافت شود یا در اثر سقوط رژیم صدام و استقرار حکومت جمهوری اسلامی عراق این خسارات دریافت نشود، مساله بازسازی و نوسازی شهرها و روستاها عمده‌ترین مساله‌ای است که پس از خاتمه جنگ چهره نشان



اشاره‌ای کوتاه به شیوه ترمیم روستاهای جنگزده

بازسازی یا نوسازی؟

خواهد داد.

علاوه بر شهرهایی که بطور کلی ویران شده‌اند و یا شهرهایی که خرابی‌ها و خسارات وارده بر آن در صد بالایی را تشکیل می‌دهد، ۱۱۵۷ روستای ایران نیز مستقیما در گیر اثرات جنگ تحمیلی، چه بصورت اشغال کامل و چه قراردادن در زیر آتش دشمن بوده‌اند. شکی نیست که پس از خاتمه جنگ (سقوط یا عدم سقوط صدام در این روند تأثیری ندارد) مساله بازسازی این مناطق و کاشتن مجدد نهال زندگی در این روستاها و شهرها بعنوان میرمترین وظیفه دارد ارگانهای دولتی و غیر دولتی و مردم انقلابی و مسلمانان خصوصا مردم بومی روستاهای جنگزده تلقی خواهد شد.

از این مرحله به بعد روند بازسازی به دو محور عمده بازسازی و یا نوسازی در شهرها و بازسازی و یا نوسازی در «روستاها» تقسیم خواهد شد و هر کدام از این دو محور نیز نظریه متفاوت بودن شرایط جغرافیایی - سیاسی و زیستی راه حل‌های متفاوتی را طلب می‌کند. اما از آنجائیکه «جهادسازی» امر بازسازی و نوسازی روستاها را برعهده گرفته است، ما نیز بحث را در این جهت ادامه داده و مسائل

روستاها را باید به شیوه ای

نوین نوسازی نمود که خطوط

کلی اقتصادی و سیاسی انقلاب

اسلامی ایران در دون افتاده

ترین مناطق کشور پیاده شود.

علاوه بر شهرهایی که

بطور کلی ویران شده و یا خسارات

زیاد است، روستاهای ایران

بازسازی و نوسازی را برعهده گرفته



گوناگون پیرامون این محور را به بحث و بررسی می‌نشینیم.

البته بازسازی شهرهایی که فاقد هرگونه امکانات تولیدی بوده و تنها به صرف دارا بودن شرایط جغرافیایی خاص، «شهر» شده‌اند نیز مسأله‌ای است که در هر صورت مطرح خواهد شد و احتمالاً این سوال که بازسازی مناطق از این دست که بنابر مقتضیات خاص «شهر» شده‌اند و «وجود احتمالی» آن مقتضیات در آینده نزدیک نیز زیر علامت سوال است. تا چه حد ضروری و الزامی است. برای تک تک احکامات ایران و مقامات و ارگانهای مسئول و دست‌اندرکار مطرح خواهد شد.

مهمترین سنوالی که در این رابطه و در حال حاضر مطرح است. این است که فرضاً اگر امر بازسازی در این مناطق با موفقیت صدرصد انجام و به پایان رسد، آیا «پراه انداختن ضربان حیات مجدد یک شهر» در حالیکه دلایل اصلی برپایی آن حداقل مورد تردید است. امری صلاح و پسندیده است یا نه؟ و آیا اصولاً در آن شرایط و پس از بازسازی، آن شهر برچه پایه و محوری به حیات خویش ادامه خواهد داد؟ آیا شهرهایی از این دست بایستی به معنای برپایی آنچه از قبل وجود می‌داشت مجدداً بازسازی شود و یا «نوسازی» و به معنایی دیگر؟

این سنوالی است که در هر صورت در آینده‌ای نه چندان دور با آن مواجه خواهیم شد و گریزی نیز از جواب دادن بآن وجود ندارد.

سوال بازسازی؟ یا «نوسازی»؟ همانطوریکه در رابطه با شهرها مطرح است برای حدوداً «۱۲۰۰۰ روستای جنگزده» نیز مطرح می‌باشد. آیا روستاهایی که بعضاً در حال حاضر فاقد هرگونه امکانات ابتدائی تولید مانند زمین، آب و وسایل و

ابزار آلات کشاورزی می‌باشند الزاماً بایستی بر همان میزان و معیار سابق، بازسازی شوند و آیا اصولاً این نوع بازسازی چیزی جز آباد کردن و ساختن آنچه که می‌بایست تغییر و تحولات اساسی در آن صورت می‌گرفت و اصولاً «مجدداً» ساخته می‌شد نخواهد بود؟

مهمترین رسالت «جهاد سازندگی» بعنوان ارگانی که رسیدگی به وضع فلاکت بار روستاها و ایجاد تغییر و تحولات اساسی در جهت برپایی نظامی مبتنی بر عدل در روستاها را در صدر اهداف خویش قرار داده است. کار در روستاها و بوجود آوردن چنین تغییر و تحولاتی مستلزم صرف حداقل چندین سال وقت و مصرتف مبالغ هنگفتی بودهجه برای آبادانی و آبادسازی روستاها بوده است.

مادی روستائیان در این مناطق - حداکثر استفاده را نموده و سیاست های متناسب اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی انقلاب اسلامی ایران را همراه با ارائه طرز جدیدی از زندگی روستایی، بجای بافت سابق، در مناطق جنگزده روستایی اجرا نمود.

مسئله در این حالت، که فی الواقع نمی‌شود اسم دیگری جز «نوسازی» بر آن گذارد - می‌توان امیدوار بود که تغییر و تحولی اساسی در این روستاها رخ داده و با بازگشت روستائیان جنگزده به روستاهاشان و مجتمع های روستایی که ایجاد خواهد شد و پرداختن به کشاورزی و دامداری و پرداختن به صنایع روستایی که در نتیجه حمایت جهاد از این صنایع بوجود آمده و رشد و توسعه و تکامل خواهند یافت. قدمهای اساسی در راه انقلابی به معنای واقعی کلمه

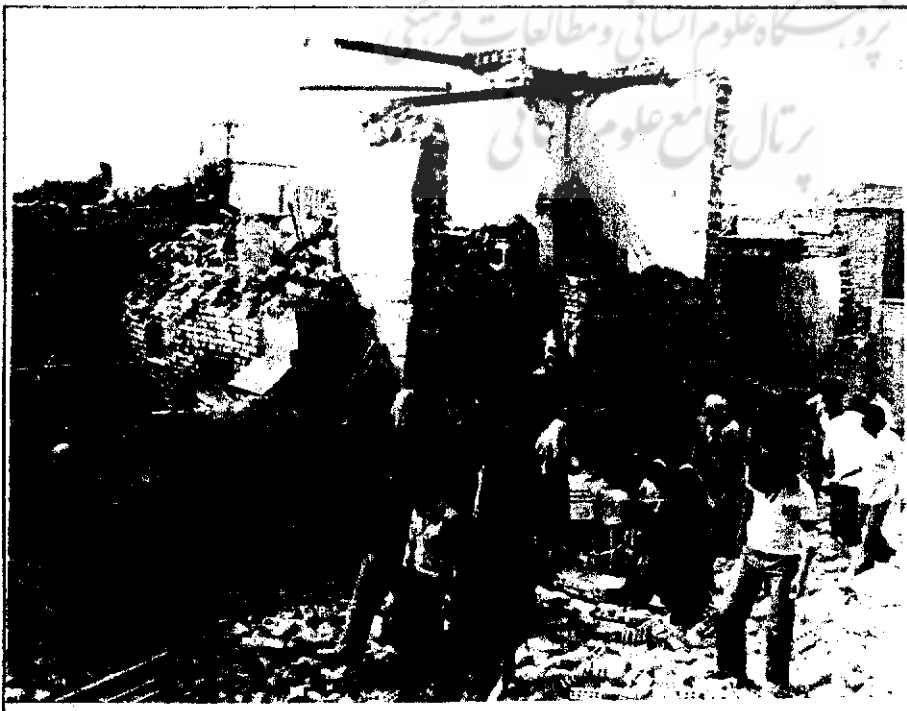
* جهاد سازندگی باید زمان نوسازی روستاها را مفتنم شمرده و روستاهای جنگزده را به معنی واقعی کلمه دوباره بسازد به شکلی که تحولات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مطلوب در آن حاصل شود.

در روستاها برداشته شود بطور خلاصه و مجمل می‌توان گفت آنچه که جهاد سازندگی - بعنوان ارگانی که امور مربوط به ترمیم خسارات جنگ در روستاها را برعهده دارد - این است که از این فرصت مفتنم، در راه نوسازی واقعی روستاها بهره برده و روستاهای جنگزده را به معنی واقعی کلمه دوباره بسازد و به شکلی که تحولات فرهنگی و اقتصادی و سیاسی مطلوب و

بقیه در صفحه ۶۴

آیا باز سازی این مناطق توسط جهاد و به همان صورت قبلی که خود می‌بایستی «جراحی های انقلاب» بر آن انجام می‌شد امری ناصواب و بخطا نخواهد بود؟

از سوی دیگر نظریه متفاوت دیگری نیز وجود دارد که راه حلی متفاوت و ریشه‌ای را پیشنهاد می‌کند و آن اینکه: می‌توان از فرصت و شرایط بدست آمده - تخریب و نابودی ۱۲۰۰۰ روستا به‌مراه از بین رفتن در صد بسیار بالایی از سرمایه های



اعزام کند و کارهای فرهنگی زیادی چون نماز جمعه، نماز جماعت و بخش پوستر و نمایش فیلم و ... داشته است.

تا کنون طرح ۲۸۱ راه مطالعه شده و تحقیقات روی آن انجام گرفته و محور اجرایی نیز برای آن صادر شده است. در زمینه برق رسانی نیز ۱۲۰ کیلومتر شبکه فشارقوی ۲۰ کیلووات داریم که این سیستم بیشتر برق منطقه و برق روستا را تامین می کند و در حدود ۲۰۰ کیلومتر شبکه برق فشار ضعیف داریم که این شبکه فشار ضعیف بستگی به وضعیت پانت خانه های روستایی دارد، که پراکندگی آنها از هم زیاد است و تامین برق به روستاها مشکل بوده است. هم اکنون سیستم فشار

آیت الله جوادی آملی ...

برخوردتان برخورد منافقانه بود خدا اسلام و مسلمین را آنچنان پیروز مند کرد که شما متحیر شدید و این خیال خام بعنوان یک زینت فکری در دل شما راه پیدا کرد لذا اسلام را یاری نکردید منافقین داخلی که مزورن بیگانه اند آنها نیز اینچنین می پندارند که انقلاب اسلامی به ظهور بقیه الله ارواحنا له الفدا منتهی شود وعده خدا قسمی است خدا وعده داد هر وقت ملتی اهل نثار و ایثار بود از امدادهای غیبی برخوردار خواهد بود این اراده تکوینی است خلل ناپذیر و تخلف ناپذیر است امیدواریم که این انقلاب شکوهمند به ظهور آن حضرت متصل شود تا جهان مستضعفان از ستم مستکبران نجات پیدا کند به امید ظهور حضرتش والسلام

ضعیف روستاهای جلوک، پرچوک، کمه زرد، تنگه رم، ده رودعلیا و ده رودسقلی و بوشکان تمام شده و قابل بهره برداری می باشد. شلدان، امامزاده و طلحه به اتمام رسیده و کلمه، تنگه زرد و فاریاب و شاهچقایی هم در دست احراست. سه نیروگاه با خطوط ۲۰ کیلو ولت در مسیر تنگه رم و مسیر نیروگاه بوشکان و شلدان و امامزاده و چه نیرو یک مسیر دیگر هم در ده خون، کلمه، تنگه زرد، شاهچقایی، طلحه و دورنگه است اجراست. دو مسیر بوشکان و کلمه با شبکه ۲۰ کیلوولت به اتمام رسیده است و مسیر تنگه رم در دست اجراست. و ۲۵٪ از کارهای ساختمانی این نیروگاه انجام گرفته است و تا شش ماهه اول سال ۶۱ انشاء... تمام

بازسازی یا ...

منطبق با مبانی انقلاب اسلامی نیز در آنها حاصل شود. که در این صورت می توان نام «نوسازی» را بران گذارد البته بایستی اذعان داشت همه روستاهای ایران بنوعی مبتلا به مشکلات مختلف طبیعی و جغرافیایی و با سیاسی هستند، مانند: زلزله - زدگی، سیل زدگی، فلاکت زدگی، جنگ زدگی و... و سیاست «نوسازی» اتخاذ شده مبتنی بر این واقعیت است که با در نظر گرفتن عواقب جنگ و خرابیهای ناشی از آن، روستاها را به شیوه ای نوین نوسازی نماید و خطوط کلی اقتصادی و سیاسی انقلاب اسلامی ایران را در دور افتاده ترین مناطق کشور پیاده نمود

والسلام

روستاهای این منطقه دارای برق خواهند شد» وی در ادامه گفتگوش به مساله و فعالیت آبرسانی در این منطقه می افزاید: ما در زمینه آبرسانی، یک چاه عمیق درهسته آهکی روستای تنگه زرد احداث کرده ایم که با ۱۲ کیلومتر خط لوله ۲۰۰، ۱۵۰، ۱۰۰، سه روستای کلمه، تنگه زرد و فاریاب را که فاقد آب آشامیدنی بودند، برایشان لوله کشی نموده و آب رساندیم.

احداث و حفر ۶۰ حلقه چاه نیمه عمیق در سطح استان برای آبشخور عشایر همراه با نصب موتور پمپ که بصورت تعاونی به هر ۱۰ یا ۱۵ خانوار عشایر واگذار شده، نیز از کارهای دیگر جهاد پشتکوه است.»

توطئه های صدام ...

خونخواران تاریخ را دوباره به جای خود بازگرداند میزان و درجه خیانتها و جنایتهای حزب بعث و صدام علفی بر همه آشکار گردیده و صدام دیگر نمی تواند خود و حکومت پلید و کثیفش را و حزب منحوسترش را با چنین حيله هایی ازین بست سیاسی - نظامی که در آنها گرفتار شده رهایی بخشد و برای صدام آخرین راه همچنانکه امام نیز اشاره کردند انتحار است و بس.

باشد که به همت رزمندگان مان در جبهه های نبرد حق و باطل و پشتیبانی امت شهیدپرورمان و یاری خدای متعال هرچه زودتر در حرم مطهر حسین بن علی این بزرگ آموزگار شهادت سقوط صدام و نابودی حزب منحوس بعث را جشن بگیریم.

روز قدس ...

نابودی اسرائیل امکان پذیر نخواهد بود. تازمانی که سرمایه های مادی و معنوی اعراب که بخش بسیار عظیمی از سرمایه های جهان را تشکیل میدهد در دست افراسی چون فهد و حسنی مبارک بوده و تماما بچیب امپریالیستها سرازیر میگردد، طبیعی است که مردم این مناطق امکان استفاده از سرمایه های مملکتشان بر علیه رژیم غاصب را نخواهند یافت.

و امروز نقطه عطف این نبرد رهایی بخش و اوج نهضت عظیمی که منجر به آزادسازی قدس خواهد شد، در جریان جنگ حق و باطلی نهفته است که هم اکنون در مرزهای ایران و عراق جاری است. ایران اسلامی از همان روزهای آغازین بعد از پیروزی انقلاب موضع خویش را در مقابل اشغالگران قدس روشن کرد، و با قطع نفث خویش به اسرائیل غاصب دشمنی خود را با این رژیم اشغالگر

اعلام داشت. و از آنروز تا کنون نیز بر موضع بحق خویش پای فشرده و برای مبارزه با صهیونیسم و امپریالیزم تلاش خستگی ناپذیری را آغاز نموده است هر چند که در این مسیر تنها و برخوردار از هیچ حمایت مادی از جانب سایر ممالک نیست ولی چون ایمان بخدا و اعتقاد به پیروزی در مردم مسلمان این سرزمین وجود دارد لحظه ای از دشمن صهیونیستی غافل نمانده است و امروز هم که درگیر جنگ با سرسپرده دیگر امریکا یعنی صدام علفی است همچنان بار این وظیفه اسلامی را بر دوش خودستگین می بیند و به همین دلیل است که همانطور که امام عزیزمان خمینی بت شکن، اعلام داشتند، رسیدن به قدس از طریق بغداد و راه رهایی آن در سرنگونی صدام و سایر مرتجعان منطقه است.

روز قدس باید روزی پیوند مستضعفین و مسلمانان جهان باشد روزی که فریادها، شعارها و پرچمها یکی گردد و مسلمانان همچون صفهای مرصوص و متحد و فشرده ندای آزادی قدس را سردهند. چرا که روز قدس، روز جهانی است که تنها به مسئله قدس اختصاص نداشته و میتوان گفت که تبلور مقابله مستضعفین با مستکبرین است و در همین روز است که باید پوزه اسرائیل و سایر ایرجانیتهای کثرتکاران به خاک مالیده شود و وارثین واقعی زمین به حق خویش برسند.

آری روز قدس روزی تعیین استراتژی و خط مبارزه است. روز وحدت مسلمین تحت پرچم مقدس لا اله الا الله و محمد رسول الله است و همین روز است که بایستی روز تقویت پیمان و پیوند آهنین تمامی عاشقان قدس و برای رهایی آن باشد انشاء الله که در همین روز پرچم جمهوری اسلامی در سر تا سر گیتی برافراشته خواهد شد.